

شرف نامه نظامی گنجوی

نظامی نام این مثنوی را « مثنوی نامه خسروی » و در جای دیگر « شرف نامه ی خسروان » نامیده و در میان مردم به اسکندر نامه و شرفنامه یافته است شاعر در سرودی آن از عشق و علاقه که بدین کار داشته پیروی کرده و به خاطر زر و ثروت نسروده است.

شرف نامه چهارمین اثر نظامی است و آن را نیمه بنا معرفی کرده و نیمه دوم را به بعد موکول کرده و مقصود او از نیمه دیگر « اقبال نامه » که آن را با هفت پیکر که مثنوی دیگر اوست بعد از شرفنامه به نظم آورده است. شرفنامه را در ۵۸۸ و هفت پیکر را در ۵۹۸ و اقبال نامه را

در ۵۹۹ سروده و خمسه را کامل کرده است. بعضی از نویسندگان مثنوی هفت پیکر را چهارم و شرفنامه و اقبالنامه را پنجمین اثر شاعر معرفی کرده اند. غافل از آن که محمد عوضی بخارایی صاحب لباب الباب که در ربع اول قرن هفتم یعنی اندکی بعد از فوت نظامی

کتاب خود را تألیف کرده است مثنوی های نظامی را چهار کتاب داشته: ۱- مخزن الاسرار ۲- لیلی و مجنون ۳- خسرو و شیرین ۴- قصه ی اسکندر به نظر می رسد آخرین سروده نظامی یعنی مثنوی هفت پیکر هنوز به دست محمد عوضی نرسیده بوده است. فتوحات

اسکندر در شرفنامه بیشتر در خشکی ها و در اقبال نامه سیرو نصر او در دریا بوده است.

در این مثنوی از جنگها و مبارزات پهلوانان سخن گفته شاید می خواسته نشان دهد که در حماسه سرایی نیز قدرتمند و تواناست. اگر سروده های رزمی او را به دقت مطالعه کنیم رنگ بزم را در آنها مشاهده می کنیم که این رنگ ها در شاهنامه فردوسی اتفاق نمی افتد.

در سرودن «داستان اسکندر» نظامی کوشیده که خواننده سخن را بپذیرد و از این رو گاهی حقیقت را فدای باورها کرده است. او معتقد است که فردوسی حقیقت را به باورها برتری داده در نتیجه به هنجار شاعری نرفته است. زیرا در شعر «احسن الشعرا کذب» است، نقد بر گرفته فردوسی را در عبارتی گنجانیده که هم از راستی حمایت و هم از فردوسی تعریف کرده و هم ایراد گرفته است و مدح شبیه به ذم و یا ذمه شبیه به مدح را کار بسته است و مجوزی برای تغییر و تبدیلی که خودش داده بیان کرده است.

در سرودن اسکندرنامه به منابع گوناگون دسترس داشته از تاریخ یهودی و نصرانی و پهلوی فایده ها برده است. غیر از زبان های ترکی و فارسی و عربی به زبان های دیگر نیز آشنا بوده تا توانسته از آنها مایه بگیرد.

نظامی از پیغمبری اسکندر هم سخن گفته است و اسکندر را همان «ذی القرنین» که در قرآن کریم از احوالم برده شده است می داند.

بیوگرافی نظامی

نامش الیاس و کنیه اش ابو محمد و لقبش نظام الدین و تخلصش نظامی است. نام پدرش یوسف و نام پدر بزرگش زکی است. مادرش به نام «رئیس» از قوم کرد بوده است. نام زنش آفاق و از طایفه قفچاق است.

سال تولد و تاریخ وفات

نظامی در سال ۶۲۲ هجری در شهر گنجه بدنیا آمده و در تاریخ ۶۰۳ هجری در همان شهر وفات یافته است. همسران نظامی: اولین همسر او آفاق قفچاقی بود و گفته اند که فخرالدین بهرام شاه بن داود (دارای در بند) بدو بخشیده است او در جوانی در گذشت و نظامی را غمگین ساخت. نظامی از آفاق فرزندى به نام محمد داشت. پس از مرگ آفاق زن دیگر اختیار نمود اما در هنگامی که به سرودن مثنوی لیلی و مجنون مشغول بود زن دوم نیز وفات یافت. ناچار برای سومین با همسر اختیار نمود در اثنای سرودن مثنوی شرف نامه (کتاب حاضر) همسر سوم نیز در گذشت.

فرزندان نظامی

نظامی از همسر اول یعنی آفاق قفچاقی دو فرزند داشت اولی در کودکی در گذشت و دومی بنام محمد است. محمد در پایان کار خسرو شیرین هفت ساله و در آغاز کار لیلی و مجنون چهارده ساله و در وقتی که نظامی هفت پیکر را می سرود کمتر از بیست سال داشته است. بعد از هفده سالگی از سرگذشت او بی خبر هستیم.

مثنوی های نظامی

۱- اولین سروده نظامی مخزن الاسرار است که در مطالب عرفانی به نام فخرالدین بهرام شاه بن داود در سال ۵۶۱ سروده است.

۲- دومین مثنوی نظامی « خسرو و شیرین » است. این مثنوی شرح عشق بازی و خوش

گذرانی های خسرو پرویز پادشاه ساسانی با دختری بنام شیرین که برادرزاده پادشاه ارمنستان است می باشد. نظامی این مثنوی را در سال ۵۷۶ به نام ارسلان شاه و طغرل بن ارسلان و محمد بن جهان پهلوان و قزل ارسلان سروده است.

۳- مثنوی سوم لیلی و مجنون است و داستان ناموفق عاشق شدن لیلی و مجنون به هم دیگر می باشد. نظامی این مثنوی را در سال ۵۸۴ بنام شروان شاه جلال الدین ابوالمظفر اخستان بن منوچهر سروده است.

۵- آخرین مثنوی نظامی « بهرام نامه » است که به « هفت پیکر » معروف است. موضوع این مثنوی شرح پادشاه بهرام گور پادشاه ساسانی و عیش و نوش او با هفت دختر از پادشاه هفت کشور در قصر زیبایی به نام هفت گنبد است. این مثنوی را در سال ۵۹۸ سروده و به سلطان علاءالدین کرپ ارسلان امیر مراغه هدیه کرده است.

۶- نظامی دیوانی شاول قصاید، غزلیات و قطعات داشته که قسمتی از آن از میان نرفته است. محمد عوضی صاحب لباب الالباب که کتاب خود را در ۶۲۵ یعنی اندکی بعد از نظامی تألیف کرده است از دیوان نظامی یاد کرده و نمونه هایی از غزلیات او را آورده است.

وحید دستگردی در پایان گنجینه گنجوی که تألیف خود اوست بخشی را بنام « دیوان قصیده و غزل حکیم نظامی » اختصاص داده است. و سعید نفیسی مجموعه ای بنام « دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی » شامل ۱۹۲۸ بیت انتشار داده است.

در خاتمه باید گفت نظامی صاحب مکتب است و در بزم سرایی بزرگترین شاعر زبان و ادبیات پارسی است. او یکی از نوآوران بزرگ قرن ششم هجری است.

رئیسه مادر نظامی کرد بوده است و نظامی از پدر عراقی و مادری کرد است و در بیتی خود را اکوش (دورگه) می داند. پرفسور علیار صفرلی دانشمند ایران شناس و نظامی شناس بزرگ و سفیر آذربایجان در ایران که در این زمینه تألیفات بسیار دارد می گوید «رئیسه» کرد نیست بلکه «کرد» است که به معنای دلیر و شجاع می باشد.

اینک برای روشن شدن و شناخت بیشتر نظامی، شاعر بزرگ و ارجمند به تذکره ها و مأخذ او سری می زنیم:

نفجات الانس - حبیب السیر - خلاصه الاشعار و زبده الافکار - مجمع انفضلا - لباب الالباب - تاریخ گزیده - تاریخ کبیر - بهارستان جامی - تذکره دولتشاه - مجالس النفایس - مخزن الاسراء، هم کوتاهترین و هم قدیمی ترین منطقه خمسه است و خصوصیت آن با بقیه کاملاً فرق دارد و به جای داستان، منظومه ای کاملاً عرفانی است، با حکایات تمثیلی به سبک حدیقه شناسی، یا مثنوی جلال الدین رومی بعد از وی.

از جمله ابتکارات نظامی و اختصاصات اسکندر نامه آنست که در ابتدای هر یک از ابواب شرف نامه دو بیت ساقی نامه و چند بیت اندرز ساخته سپس وارد متن حکایت می شود مرحوم وحید آن قسمت ها را زیر عنوان «ساقی نامه» «اندرز» «تمثیل» و «داستان» جای داده است اما نسخه های قدیم فاقد این گونه عناوین بوده است.

نظامی در اوایل شرف نامه پای سخن را بریله اعجاز می گذارد و ضمناً نشان می دهد که در دوران جوانی هم چنان که از مقدمه مخزن الاسرا نیز بر می آید دم از پیری می زد و گوشه گیر و منزوی و تنها می زیسته است ولی در این موقع که سال عمرش به شصت رسیده بود به اشتباه خود پی برده است.

نظامی به مرگ یکی از خالانش اشاره می کند که به احتمال زیاد پس از مرگ پدر سرپرستی نظامی را بر عهده گرفته بوده است. برادر او به نام قوامی مطرزی در شاعری شهرت چشمگیری یافت که یک نسخه خطی قدیمی متعلق به قرن هشتم از اشعار او را موزه بریتانیا به دست آورده است و سراینده ای است که تمام صنایع بدیع فارسی را توصیف می کند.

نظامی از هدف و وظیفه ی شاعری تصویری بالاتر از تصورات شعرای بی شمار مداح و درباری از نوع انوری داشته است، نیز هم چنان شواهد رسمی و ضمنی نشان می دهد، او از مداحی بیزار بود و از دربارها دوری می جست.